

ابن الحسن الرضا

تاریخ فرجام امپراطوری عظیم ساسانی
(طایعہی اسلام)

مؤلف

سید کیا دانش میر کهن

ویراستار

مهندس سیدہ سپیدہ دانش میر کهن

دانش میرکهن، سیدکیا، ۱۳۴۶ -

سرشناسه

تاریخ فرجام امپراطوری عظیم ساسانی (طلیعه‌ی اسلام) /

عنوان و نام پدیدآور

مولف سیدکیا دانش میرکهن؛ ویراستار سیده سپیده دانش میرکهن.

مشخصات نشر

تهران: یاد عارف، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری

۲۶۰ ص.

شابک

978-600-7284-90-2

وضعیت فهرست نویسی

فیا

موضوع

ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م.

موضوع

Iran -- History -- Sassanids, 226-651

موضوع

ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام

موضوع

To 633 -- Iran -- History

موضوع

ایران -- تمدن -- پیش از اسلام

موضوع

To 633 -- Civilization -- Iran

موضوع

ایران -- اوضاع اجتماعی -- پیش از اسلام

موضوع

Social conditions -- To 633 -- Iran

شناسه افزوده

دانش میرکهن، سیده سپیده، ۱۳۷۲ -، ویراستار

رده بندی کنگره

۹۵۴۰۲۰۳ - ۲

رده بندی دیویی

۹۵۵/۰۳

شماره کتابشناسی ملم

۴۳۹۱۵۶۷

تاریخ فرجام امپراطوری عظیم ساسانی (طلیعه‌ی اسلام)

مؤلف: سیدکیا دانش میرکهن

ویراستار: مهندس سیده سپیده دانش میرکهن

ناشر: انتشارات یاد عارف

سال چاپ: اول زمستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۴-۹۰-۲

تلفن انتشارات: ۰۲۱-۶۶۴۰۱۸۷۸-۶۶۴۰۵۰۷۳ همراه ۰۹۱۲۴۳۴۲۷۴۱

۹	 دیباچه‌ی مؤلف کتاب
۲۱	 زندگینامه‌ی مؤلف
۲۳	 مقدمه

فصل اول: شکل‌گیری حکومت ساسانیان

۷۰	 عهد انشالی
۷۱	 ملوک الطوائف
۷۸	 وارثان تمان هخامنشی و قوانین آن
۷۸	 هنر و اقتدار ساسانیان
۸۱	 اقدامات بزرگ شاپور اول ساسانی
۸۴	 حکمران داراب‌گرد
۸۷	 تزلزل در دستگاه حکومتی عهد ساسانیان
۹۱	 مختصات عهد ساسانیان
۹۳	 طبقات عهد ساسانی

فصل دوم: دین و آیین

۹۸	 اقتدار اهل بیوتات و آذربانان
۱۰۴	 آیین بودا، نسطوری و یهود
۱۰۸	 آیین مانی
۱۱۲	 آیین مزدک
۱۱۴	 زردشت، دین رسمی عهد ساسانیان
۱۱۷	 انواع پیوند زناشویی در دین زرتشت

- زروانیسم، شروع انحطاط دولت ساسانی ۱۲۰
- مختصات جغرافیایی شبه جزیره عربستان ۱۲۴
- ظهور پیامبر (ص) ۱۲۸

فصل سّوم: آشوب و پیکار

- بستری برای تسخیر ۱۳۲
- نهم ستین حملات اعراب به کشور پایدار ایران ۱۳۴
- سلب مقدّس در عهد شیرویه (تیرویه) ۱۳۵
- مدّت حکم اشهر شمریاران ساسانی ۱۳۶
- یزدگرد سّوم ۱۳۸
- پیک عمر بن خطاب به پادشاه ایران ۱۴۰
- فتح الفتوح ۱۴۳
- نفرزمین ۱۴۴
- مرز کفر و اسلام ۱۴۴
- خیانت فرماندار ماهوی سوری ۱۴۶
- خلافت علی (ع) ۱۵۲
- سپهر کردگار ۱۵۶
- بی ثباتی عهد شهریار خسرو پرویز ۱۵۸
- قبیله‌ی بکّرین وائل ۱۶۱
- اهل رده ۱۶۲
- عصیان بلاد عرب ۱۶۴
- واقعه‌ی ذات السلاسل ۱۶۶
- واقعه‌ی نهر ۱۶۶
- واقعه‌ی وُلّجه ۱۶۷

۱۶۸.....	سوگند خالد
۱۷۰.....	حرب ذات‌العیون
۱۷۰.....	فتوحات و پیشروی سپاه خالد
۱۷۴.....	خلافت عمر بن خطاب
۱۷۵.....	تدارکات پیکار رستم سپه‌سالار
۱۷۶.....	حرب جسر
۱۷۹.....	پیکار مثنی در منطقه‌ی نخيله، يوم اعشار
۱۸۰.....	پیکار سرنوشت‌ساز قادسیه
۱۸۲.....	سردار عرب سعد ابن ابی وقاص
۱۸۸.....	واقعه‌ی ليله "ریر"
۱۹۴.....	شهر مداین
۱۹۷.....	فتوحات سعد
۲۰۱.....	ایرانیان و تعبیه‌ی سپاه
۲۰۴.....	احداث شهر کوفه
۲۰۵.....	خیانت سینه دیلمی (سپاه دیلمی)
۲۰۸.....	فادوسبان اصفهان
۲۰۹.....	علا حضرمی
۲۱۰.....	رعب اعراب و نیرنگ تازیان
۲۱۴.....	ادوار نو
	فصل چهارم: ایران بعد از تسخیر اعراب
۲۱۶.....	عواقب تسخیر ایران

- مرگ خلیفه عمر ۲۱۷
- هم‌زیستی غالب و مغلوب در ایران ۲۱۹
- اهل ذمه و موالی ۲۲۱

فصل پنجم: جامعه‌ی ساسانی

- قشربین ساسانی ۲۲۴
- واحد شمارش، سربازان ۲۲۴
- ضرب‌اندکناس ۲۲۵
- آیین ساسانیان ۲۲۷
- لباس رزم و ماشین جنگی ۲۲۷
- تدفین اموات ۲۲۷
- صنعت و معادن ۲۲۸

فصل ششم: ملحات

- پیوست ۲۳۴
- منابع و مأخذ ۲۴۳

دیباچه‌ی مؤلف کتاب

به نام ایزد پاک بی‌همتا

به فرّ و شکوه ایزدی می‌نگارم.

چو ایران نباشد تن من مباد

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

دین ترسایان را غرب کشور و آیین بودا در شرق جملگی از قدرت
آیین زرتشتی کاست

اوهام و تقلیدهای اجتهادات مختلف وحدت دینی را در کشور متزلزل
می‌ساخت و با ظهور مانی و مزدک نیز بر این امر فزونی می‌بخشانید.

بوزنطیه (بیزانس) که دشمن حاکمان و چند ساله‌ی ایران محسوب
می‌گشت در آن روزگاران گرفتار زحمت حمله به کشور ایران را نیافت.
اعراب تازی در اندیشه‌ی خویش حمله به ایران را نیز نمی‌پروانند اما
واقف اوضاع و گسیختگی عهد ساسانیان گردیدند و دیدند که امید دوام و
بقایی در کشور نبود.

دولت بزرگ روم با آیین قدیم ترسایی قادر به تسخیر ایران نگردید اما
دولت خلیفه‌ی عرب با آیین نو خویش به دلیل خطر سقراط، فنا در
کنار مرزهای کشور در پشت دروازه‌های دولت ساسانی قادر به این
فیروزی و فتح گردید.

دین ایران به دلیل تحریف موبدان کمرنگ گردیده بود. روزبه پسر
مرزبان (سلمان فارسی) به آیین ترسا روی آورد. وی از موبدان زردشتی

بود و در صحاری شام و حجاز به دنبال آیینی دیگر بود که وی را خرسند سازد.

با به اوج رسیدن محمد(ص) و آیین او و به انسجام رسیدن اعراب تازی روزبه تلاش کرد تا در همین راستا دینی جدید را به انتشار گذارد.

از سال ۴۱ هجری تا سال ۱۳۲ قریب به مدت یک قرن امویان بر جهان اسلام حکم می‌راندند.

سیاست نژاد و روتبه‌ی تبعیض قبایل اهم عدالت اینان بوده است.

به هنگام ساختن و مرمت مملکتی قبایل عرب به درگاه شهریاران ایران زمین از در فرمان برداری انقیاد برمی‌آمدند.

حکام ساسانی پشتیبان دائمی دولت عباسی به شمار می‌رفت و همواره ملیت عرب را مورد توجه و عنایت می‌دادند.

شکوه دولت ساسانی بدان گشته بود که سرداران روم در بلاد قسطنطنیه رعب‌انگیزانه و با وحشت به مرصحات خویشتن ادامه دهند.

صحاری فراخ عربستان چنان بی‌آب و علف بوده که نه تنها ایران مصر، بابل، ایران و روم در هیچ ازمه‌ای از تاریخ چشم طمع بدان سرزمین ندوختند.

اغلب مردمان عرب به غارت و چپاول نیز رهنزی اشتغال داشتند.

با آمدن دین جدید (اسلام) عرب رنگ تمدن و شکوه و درایت را به خود دید. اعراب به گونه‌ی قبیله‌ای زندگی می‌کردند و برای امرار

معیشت هر فصلی را به سرزمین‌های مناسب احوالاتشان، خیمه و بارگاه می‌ساختند.

بیابان و واحه‌های عربستان هیچ‌وقت رنگ تمدن نداشته و جلوه‌ی یک سرزمین آباد و مستقل را به خود ندیده بود.

تدابیر حکیمانه‌ی دولت‌های مقتدر ایران و روم بود که از برکاتشان، این واحه‌ها حکومتی مستقل را به خود دیده و شکلی از اشکال پیرایه را پایه‌ریزی نمود.

پیکارهای مستمر ایران و روم منجر بدان گردید که دولت‌های کوچک حیره و غسان شکل یابند.

در کنار بادیه‌ی نام دولت بسان پایه‌ریزی گردید که حکام روم بر آن احاطه داشتند و آنان را تحت حمایت خویش قرار می‌دادند.

دولت حیره در کنار بادیه‌ی عراق استقلال گرفت که این خودمختاری و اصالت از یمن تدابیر دولت مقتدر ایران بود و در پناه دولت ایران قدرتمند زندگی می‌نمودند.

اهداف دو دولت ایران و روم بر آن بوده که در کنار سرحدات کشور خود جهت جلوگیری از تهاجم دو دولت به یکدیگر حکومت کوچک دولت‌های حیره و غسان را پایه‌ریزی نمودند تا به عنوان مانع و سد از تعرضات و حافظ منافع آن دو عمل نماید.

دولت یمن نیز دست‌نشانده‌ی پادشاه ایران بود و حیره در نزدیکی بلاد کنونی کوفه و در کرانه‌ی بیابان قرار داشت.

کشت و زرع نخیل به علت فراوانی آب و جوی که منشأ آن آب فرات بوده، رایج بوده است.

سه کاخ بزرگ خورنق - کاخ سپید - کاخ ابن بخیله در بلاد حیره واقع بود و ساکنان منطقه‌ی مذکور پیرو آیین مسیح^(ع) و عده‌ای نیز زرتشتی بودند.

امرای اعراب حیره از خاندان بنی لخم بودند که به حمایت دولت ساسانی و فرمان‌برداری از آن، بدین مرتبه نائل گشته بودند که مدد، نه پایداری حکومت خویش را حفظ می‌کردند.

حیره به زبان سریانی به معنای دیر و حرم بوده است.

غیر از دولت حیره و غسان، دولت‌کننده نیز دارای جلال و شکوه بوده است. از همین جهت تابعیت از دولت مقتدر ساسانی و فرمان‌برداری از ایسان بود.

خودکامگی و خودرأی بودن پیشوایان دینی و استثمار مردم و دهقانان و کسبه به دست رستم و تحریف احکام آیین و خشور پاک سبب نارضایتی عامه‌ی مردم گردیده بود. از آنجایی که فاصله‌ی طبقاتی بسیار زیادی در دولت ساسانی وجود داشت و کسی را از طبقات پایین مجال ترقی و علم‌آموزی نمی‌بخشاند مزید بر آنست گردید تا پایه‌های استوار شهریاران ساسانی متزلزل گردد.

این نفاق و شقاق خود، کشور را به‌سوی ضلالت و نه‌تنها بیگانگان می‌کشاند. جملگی مردم انتظار آن را می‌کشیدند تا یک فرستادگی آنان را از این ورطه‌ی مرگ و نابودی نجات بخشد.

مالیات زیاد، برزیگران و پیکارهای مستمر شهریاران خصوصاً خسرو پرویز نیز مخارج هنگفت طبقه‌ی دربار و خاندان سلطنتی جز مصرف‌گرایی عایدی نداشت.

از آن جایی که طبقات اشراف و موبدان بدون کشیدن رنج و سختی و بی‌هیچ تجربه‌ی کارآمدی و بدون تحصیلات کافی به مدارج عالی‌ه راه می‌یافتند و فقط به آن دلیل که بزرگ‌زادگان به شمار می‌رفتند، هیچ پیشرفتی را در امور دولتی و مملکتی سبب نمی‌گردیدند و از کشورداری نیز فرامین عدالت و مردم‌داری نیز دفاع از کشور و تاکتیک‌های جنگی و راهبری سر رشته نداشتند و بدون دلسوزی و فداکاری برای پیشروی ایران خود تنها به منافع شخصی می‌اندیشیدند، افراد انا و مدبّر به دلیل به دنیا آمدن در خانواده‌های فقیر و پایین جامعه قرار نمی‌گرفتند تا در حفظ کشور و ثبات و پایداری آن از دانایی خود استفاده کنند، بدون آن که حتی کوچکترین مجالی در اختیار داشتند. بدبختانه علم‌آموزی و سواد و تعلّم و تربیت مختص به خاندان اشراف و موبدان بود و بدین طریق تمامی استعدادهای پنهان جامعه به ناپودی می‌گرایید. استعدادهای درخشان خاندان ضعیف جامعه نادیده انگشته می‌شد.

اواخر امپراتوری ساسانی سرداران بزرگ و موبدان به دلیل تزلزل در صدارت و شهریاری بعد از خسرو پرویز داریوش پادشاهی و حکمرانی در سر می‌پروراندند.

نجیبا و اهل بیوتات به سبب املاک و اقطاع‌ها از عدالت و حشمتی تمام را تصاحب نمودند. سرداران، مرزبانان که افواج دائمی تحت امر خویش داشته نیز فکر تسخیر صدارت را اندیشه می‌نمودند.

کودکان خاندان سلطنتی به علت ذکور بودن طمع‌های مرگ قرار می‌گرفتند و بر اثر دسیسه‌ی موبدان، فرزندان بزرگ پادشاهان ساسانی اغفال گشته و دست به کشتن اعضای سلطنتی می‌زدند.

کسی که صدارت را به عهده می‌گرفت دست‌نشانده‌ی کامل موبدان بود.

«ساسانیان وارثان به حق دولت هخامنشی بوده‌اند و با از بین بردن دولت پارت سبب پایه‌ریزی حکومتی مستقل به نام امپراتوری ساسانی گشتند و شاپور اول ساسانی با پیکار علیه والریانوس، پادشاه مقتدر روم رومی را به اسارت و در کتیبه‌ی نقش رستم نیز فتوحات خویش را حکاکی نموده‌است و اسیر والریانوس را در همین مکان به زیر پای خویش افکنده است و فرمان راند تا پیروزی خود را بر کشور عظیم روم بر صحنه‌ی نقش رستم بر پیکره‌ی دیواری سنگی منقوش نمایند و چنین نگاشت:

"منم شاپور، شاه شاهان، که به یاری خداوند یکتا (اهورامزدا) بر روم پیروز شدم و این به یادگار به یاد برای جهانیان که هر کس با ایران پیکار نماید عاقبت آن چنین است."

شاپور دوم بعد از پیروزی بر کشورهای مغلوبه فرمان می‌راند تا اسیران را از کتف به یکدیگر متصل نمایند. برای انجام این کار، زیر استخوان ترقوه‌ی اسیران را سوراخ نموده و با عبور دادن طناب به یکدیگر متصل نماید بدین جهت شاپور دوم در «دوا» کتاب «می‌نامیدند (یعنی صاحب کتف‌ها).

تجلی اقتدار و صدارت دولت ساسانیان مصادف است با فرجام دولت پارت.

ساسان با اقداماتش علیه دولت بیگانه سلوکی توانست فروپاشی پارتیان را سبب گردد. آخرین پادشاه پارتی اردوان چهارم نام داشت به سال ۲۱۳ وی علیه برادر بزرگش بلاش قیام نمود و قسمت اعظمی از

کشور را از سیطره‌ی قدرت وی خارج نمود. بلاش تنها در سرزمین سلوکیه فرمانروایی می‌نمود.

* در جنوب غربی کشور ایران هفت کیلومتری صفه‌ی تخت جمشید در بلاد استخر دو شخصیت مهم می‌زیستند که توانستند تحولی عظیم را بنیان نمایند.

آنان با نام بابک نام داشتند. در منطقه کعبه زرتشت نزدیک نقش رستم کتیبه‌ی شاپور نقر یافته است و در عهد نخست پادشاهی ساسانیان زنجیره نام‌ها بدین صورت حک گردیده است:

"ساسان، سر، بابک، شاه، اردشیر، شاه شاهان"

از کتیبه چنین استفاده می‌گردد که بابک پدر اردشیر بوده است. در کتاب کامناک اثری از دوره‌ی ساسانیان اسلام به زبان پارسی میانه عنوان داشته که ساسان از گوسپن چران بابک بوده و در استخر می‌زیسته از اعقاب خاندان هخامنشی بوده است.

با همه‌ی تفاسیر کشور ایران، خود دچار ضعف و تزلزل گردیده بود و محتاج به هیچ نوع معجزه‌ای نبوده و بسوی بحران جدیدی و شکوفایی و اقتداری دوباره‌ای را به راحتی فراهم ساخت.

لازمه‌ی این تحول می‌بایست با شعله‌ور گشتن آتش حرب صورت پذیرد.

در مدینه آرام و پیوسته شخصیتی به نام محمد (ص) به سر آیین خود ممارستی مستمر داشت. کس را اندیشه‌ی آن نبود که روزی اعراب بادیه‌نشین فردی را در خود بپروراند که روزی شهریاران بلاد روم، ایران و کشورهای همسایه را به زیر فرمان خویش درآورد.

اعراب بادیه‌نشین که به خوردن سوسمار و شیر شتر اشتغال داشته و از فرهنگ و تمدن بویی نبرده بودند و پست‌ترین آدم‌های روزگار خود به شمار می‌رفتند و با زنده به گور کردن دختران به حقیر گشتن خود فروزی می‌بخشیدند، روزی رسید تا با تجلی و ظهور فردی از میان آنان با اقتدار آیین جدید جملگی اعراب را به هم منسجم گرداند و به آنان ارزش انسانی بودن را تحفه بخشاند.

در سال ۶۳۴ به فرمان خلیفه عمر، هیئتی به دربار ساسانی سمت شهرت افروز فرستاده گشت. ماموریت این گروه آن بود که پادشاه ایران را به پذیرش دین اسلام بگروند. در اثر طبری این رخداد به صورت زیر نقل شده است:

"او، یزدگرد گفت: از آنان پرسند که منظور از مأموریتشان چیست. نعمان پاسخ داد: «ما مراد بودیم که در خطا زندگی می‌کردیم آنگاه خدا بر ما رحم آورد و پیامبری را نزد خودمان برایمان فرستاد. اکنون وی در گذشته است اما در حال احتضار، به ما یادآور شد که در سراسر زمین با تمام کسانی که بر دین ما نیستند، بجنگیم و ما آمده‌ایم تا این شرایط را با تو مطرح کنیم؛ هرگاه دین ما را بپذیری کشورت را به تو وا می‌گذاریم اما اگر نخواهی به دین ما درآیی پس حاجت ما نرسد اما اگر نه این را بپذیری نه آن را، پس آماده‌ی جنگ شو» یزدگرد پاسخ داد: «من در جهان اقوام گوناگونی را دیده‌ام، ترک‌ها، هون‌ها، ییمیان، اما هرگز فلاکت‌بار تر از شما ندیده‌ام، شما چگونه به این قدرت رسیده‌اید که به سرزمین ما حمله‌ور شوید؟» و دستور داد هر کدام از نمایندگان را یک توبره‌ی خاک بار کنند و از شهر برانند."